





درمکه پس از حج، بلال از طرف
پیامبر ﷺ اعلام کرد:
فردا همه باید به سوی غدیر حرکت کنند

تصویر اول

فرمان حرکت به سوی غدیر خم

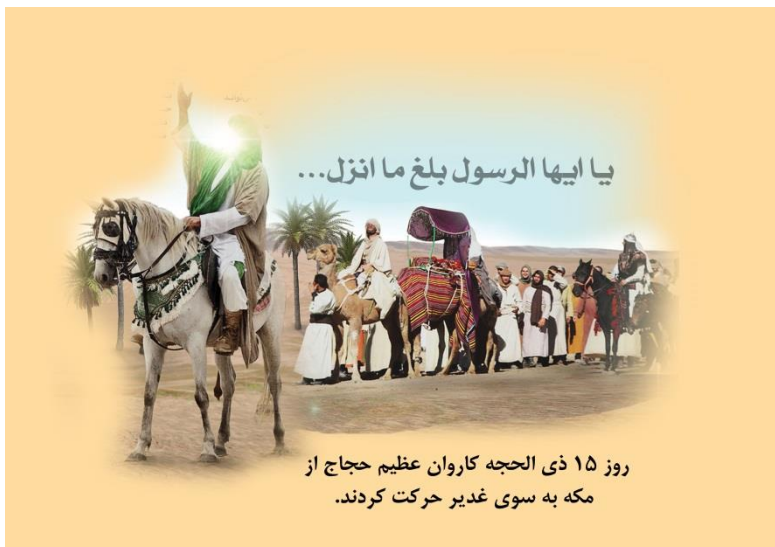
روز چهاردهم ذی الحجهٔ روز پرماجرایی بود چرا که اعلام شده بود در مکه یک روز بیشتر توقف نخواهند کرد. پیامبر صلی الله و علیه و آله به بلال دستور داد تا بین مردم اعلان کند: «فردا کسی جز معلولان نباید باقی بماند، و همه باید به سوی غدیر خم حرکت کنند». با این اعلام مردم متعجب از اینکه چرا پیامبر صلی الله و علیه و آله در این اولین و آخرین سفر خود به حرم الهی، مدتی در آنجا توقف نکرده‌اند که مردم سؤالات خود را بپرسند و از محضر آن حضرت استفاده کنند، خود را برای فردا آماده می‌کردند.

از سوی دیگر در روز چهاردهم ذی الحجهٔ جبرئیل نازل شد و لقب «امیرالمؤمنین» را به عنوان اختصاص به علی بن ابی‌طالب آورد. پیرو آن پیامبر صلی الله و علیه و آله به بزرگان اصحاب دستور داد تا نزد علی علیه‌السلام بروند و خطاب به آن حضرت «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» بگویند.

هنوز برنامه سلام به امیرالمؤمنین پایان نیافته بود که دستور تحویل میراث‌های انبیاء به علی علیه‌السلام از طرف خداوند صادر شد. یادگارهای انبیاء علیهم‌السلام صحف آدم و نوح و ابراهیم علیهم‌السلام و تورات و انجیل و عصای موسی علیه‌السلام و انگشتر

سليمان عليه السلام و ساير ميراث‌هاى ارجمندى است كه فقط بايد در اختيار حجج الهى باشد. تا آن روز خاتم انبياء صلى الله و عليه وآله حافظ اين ميراث‌هاى الهى بود و اينك به دستور الهى به اميرالمؤمنين عليه السلام منتقل شد.^۱

^۱ مسند حُمَيْدِي: ج ۱ ص ۲۵۱. المغازى (واقدي): ج ۲ ص ۱۰۹۹. اخبار مَكَّة: ج ۲ ص ۱۶۲. المصنف (ابن ابى شيبه): ج ۴ ص ۴۶۹. الكافي: ج ۴ ص ۲۴۶، ۲۴۸. تهذيب الاحكام: ج ۵ ص ۲۷۵، ۴۵۷، ۴۳۸. الفقيه: ج ۲ ص ۵۵۵. المغازى (واقدي): ج ۲ ص ۱۰۹۹. صحيح مسلم: ج ۲ ص ۷۲۹. اخبار مَكَّة (ازرقى): ج ۲ ص ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۹۸. سنن البيهقي: ج ۷ ص ۳۴۹. عوالم العلوم: ج ۱۵/۳ ص ۳۹، ۱۱۴، ج ۴۰ ص ۱۷۶. مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۲۲۴. كتاب سليم: ص ۷۳۰. عوالم العلوم: ج ۱۵/۳ ص ۱۷۶. بحار الانوار: ج ۲۸ ص ۹۶، ج ۳۷ ص ۱۱۱ - ۱۲۰، ۱۵۵.



تصویر دوم

حرکت از مکه به سوی غدیر

شب ۱۵ ذی الحجه ساعتی به اذان صبح مانده در تاریکی شب پیامبر صلی الله و علیه وآله دستور حرکت داد. آن حضرت تا کنار بیت الله آمد و وارد مسجد الحرام شد و طواف وداع به جا آورد. آنگاه با خانه خدا وداع نمود و از مسجد الحرام بیرون آمد. و قبل از نماز صبح از مکه خارج شدند و با طلوع فجر روز پانزدهم ذی الحجه نماز صبح را خواندند و به راه ادامه دادند.

کاروان عظیم حجاج اکنون با پایان مراسم حج به استقبال مراسم غدیر می‌رفتند. روزی که پیامبر صلی الله و علیه وآله از مکه حرکت کرد، سیل جمعیت بیش از صد و بیست هزار نفر تخمین زده می‌شدند. دوازده هزار نفر از اهل یمن که همراه امیرالمؤمنین علیه السلام برای حج آمده بودند و مسیرشان به سمت شمال نبود و باید از جنوب مکه به آنجا باز می‌گشتند، برای درک مراسم غدیر همراه پیامبر صلی الله و علیه وآله حرکت کردند. همچنین پنج هزار نفر از اهل مکه بار سفر بستند و با قافله بزرگ پیامبر صلی الله و علیه

وآله راهی غدیر شدند. جالب‌تر از همه اینکه اهمیت مراسم باعث شده بود عده‌ای از مشرکین و کفار هم برای تماشای مراسم راهی غدیر شوند.^۲

^۲ بحار الانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۵، ۳۹۳، ۳۹۶، ج ۳۷ ص ۱۱۱، ۱۵۸. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۳۶. عوالم العلوم: ج ۱۵/۳ ص ۲۹۹. الغدير: ج ۱ ص ۱۰ - ۱۲، ۲۶۸. المغازی (واقدی): ج ۲ ص ۱۰۹۹. اخبار مکه: ج ۲ ص ۱۶۲. المصنف (ابن ابی شیبۀ): ج ۴ ص ۴۶۹. نصب الراية (زبلی): ج ۲ ص ۲۲۱. معجم ما استعجم: ج ۴ ص ۱۱۱۸. الکافی: ج ۴ ص ۲۴۸. تهذیب الاحکام: ج ۵ ص ۲۷۵، ۴۵۷، ۴۳۸. الفقیه: ج ۲ ص ۵۵۵. تفسیر القرطبی: ج ۱۶ ص ۲۲۳. فتح القدير: ج ۵ ص ۲۸. السيرة النبوية (ابن کثیر): ج ۸ ص ۴۸۶.

پس از طی ۲۰۰ کیلومتر از مکه، روز ۱۸
ذی الحجه به غدیر خم رسیدند و به دستور
پیامبر ﷺ برای سه روز در آنجا توقف کردند.



تصویر سوم

به میعادگاه غدیر رسیدند

ساعتی بیش تا ظهر نمانده بود که برکه زیبای غدیر با درختان کهنسالش از دور نمایان شد. برکه‌ای که معروف بود و همه مردم آن را می‌شناختند و مسافران بسیاری برای استراحت در سفرهای خود کنار آن آمده بودند. آب نمای دریاچه مانند بزرگی که برای مصرف آب آن کاروان صد و بیست هزار نفری کافی بود. پنج درخت کهنسال از نوع سَمُر (کُنار) که در شنزارها می‌روید و مانند درخت چنار بالا می‌رود و سایه می‌اندازد. آن پنج درخت در یک ردیف جلوی برکه کنار یکدیگر قرار داشتند و سایبانی گسترده در آن وادی ایجاد کرده بودند. زمین باز جلوی درختان که در واقع مسیر سیل بود و عبور آب، آن را مسطح کرده بود و اکنون خشک بود و برای استراحت مردم مکان مناسبی را آماده کرده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله همراه کاروان مسیر خود را از سمت راست جاده به سمت غدیر تغییر داد. همزمان با این اعلان، آن حضرت فوراً افرادی را مأمور کرد تا مواظب پراکنده شدن کاروان باشند. از یک سو فرمان داد تا منادی ندا کند: «همه مردم متوقف شوند، و

آنان که پیشتر رفته‌اند باز گردند، و آنان که پشت سر هستند خود را برسانند» تا آهسته آهسته همه جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند.

از سوی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد کسی زیر پنج درخت کهنسالی که در آنجا بود نرود، تا آن مکان برای برنامه سه روزه غدیر آماده سازی شود.

پس از این دستورات همه مرکب‌ها متوقف شدند و کاروان‌ها کنار برکه غدیر در گستره بیابان پیاده شدند، و هر یک برای خود جایی پیدا کردند و شتران خود را خواباندند. عده‌ای فرش و زیرانداز برای خود پهن کردند، و عده‌ای دیگر خیمه برپا نمودند، و کم کم همه جمعیت در گوشه و کنار منطقه مستقر شدند.

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله مقداد و سلمان و ابوذر و عمار را فرا خواند و به آنان دستور داد تا به محل پنج درخت کهنسال - که در یک ردیف جلوی برکه غدیر بودند - بروند و آنجا را برای اجرای مراسم آماده کنند.

آنان خارهای زیر درختان را کنند و سنگ‌های ناهموار را جمع کردند و زیر درختان را جارو کردند و آب پاشیدند. سپس شاخه‌های پایین آمده درختان را - که تا نزدیکی زمین آمده بود - قطع کردند. بعد از آن در فاصله دو درخت وسط، روی شاخه‌ها پارچه‌ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد.

سپس در زیر سایبان، بنای منبری از سنگ را تدارک دیدند. ابتدا با جمع آوری سنگ‌های بزرگ و کوچک، آنها را روی هم چیدند و شبه منبری به بلندی قامت حضرت ساختند. سپس از رواندازهای شتران و سایر مرکب‌ها کمک گرفتند و بنای آن را تکمیل کردند. در مرحله بعد پارچه‌ای برای زیبایی از بالا تا پایین منبر انداختند. آنان منبر را طوری برپا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار بگیرد، و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سخنرانی مُشرف بر مردم باشد تا همه آن حضرت را ببینند.^۳

^۳ بحار الانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۱۴۹، ۱۶۸، ۱۷۳، ۲۰۳، ۲۰۴، ج ۹۸ ص ۲۹۸. عوالم العلوم: ج ۱۵/۳، ص ۵۰، ۶۰، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۱۰۶، ۳۰۱.



پیامبر پس از نماز جماعت ظهر و عصر یک ساعت سخنرانی کرد و امامت دوازده امام را تا روز قیامت رسماً اعلام کرد.

تصویر چهارم

پیامبر و علی علیهما السلام بر فراز منبر غدیر

مردم پراکنده در گوشه و کنار منطقه غدیر در انتظار فرمان بعدی پیامبر صلی الله و علیه و آله برای آغاز مراسم بودند. مقارن ظهر انتظارها به سر رسید و منادی حضرت ندای عمومی داد و مردم را برای اجتماع در مقابل جایگاه فرا خواند.

مردم همه وضو گرفته رو به قبله صف‌های نماز را مرتب کردند. زنان نیز در قسمت خاصی قرار گرفتند که منبر را می‌دیدند. پیامبر صلی الله و علیه و آله از خیمه خود بیرون آمد و به عنوان امام جماعت جلوی صف اول قرار گرفت. آنگاه مؤذن پیامبر صلی الله و علیه و آله اذان گفت و سپس نماز جماعت یکصد و بیست هزار نفری باشکوه بی‌نظیری کنار منبر غدیر خوانده شد.

پس از نماز همه منتظر برنامه بعدی بودند. پیامبر صلی الله و علیه و آله برخاست و به سمت منبر رفت و قدم بر پله‌های آن گذاشته تا آخرین نقطه بالا رفت و بر فراز آن ایستاد. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام را فراخواند تا بالای منبر بیاید. مردم شاهد بودند که علی علیه السلام به دنبال پیامبر صلی الله و علیه و آله از منبر بالا رفت و در سمت راست پیامبر صلی الله و علیه و آله یک پله پایین‌تر ایستاد، در حالی که احتراماً کمی متمایل به

سمت آن حضرت بود. در آن لحظه دست مبارک پیامبرصلی الله وعلیه وآله بر شانه آن حضرت قرار گرفت، منظره ابهت انگیزی را در برابر دیدگان آن جمعیت انبوه قرار داد.

اکنون غدیر برای اولین بار شاهد اجتماع عظیم بشری بود تا خاتم انبیاء سخنرانی تاریخی و آخرین و بلندترین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کند. افتخار این مجلس حضور پنج وجود معصوم یعنی پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بود، و حضرت محسن علیه السلام نیز در آن روزها انتظار تولد خویش را داشت.

بیش از صد و بیست هزار نفر منظره بدیعی را می‌نگریستند که دو نفر بر فراز منبری از سنگ ایستاده بودند؛ و در سکوتی ابهت انگیز چشم‌ها دوخته به لبانی بود که بزرگترین پیام الهی برای بشریت را با فصیح‌ترین لسان آماده بازگویی داشت.

پیامبرصلی الله وعلیه وآله در حالی که دست بر شانه علی علیه السلام گذاشته بود سخنرانی تاریخی خود را آغاز کرد که آمیخته با بیش از ۱۰۰ آیه قرآن بود و بیش از یک ساعت به طول انجامید.

سکوت مطلق بر جمعیت حاضر در غدیر حکمفرما بود و دل‌ها پله پله با کلام رسول مدارج کمال را می‌پیمود و با کوه استوار نبوت تا اوج ولایت پیش می‌رفت. این در حالی بود که طبق اشاره پیامبرصلی الله وعلیه وآله در فرازهای قبلی خطابه، همه چشم بر دست و بازوی پیامبر و علی علیه السلام دارند که هنگام بالا رفتنشان کی فرا می‌رسد.

اکنون غدیر به قله خود رسیده و صد و بیست هزار نفر چشم بر لبان گل وجود دوخته‌اند. پیامبرصلی الله وعلیه وآله در آن حساس‌ترین لحظات دستان ید الهی خود را به بازوان رشید علی علیه السلام نزدیک کرد و او نیز دستان خود را بالا نگاه داشت. در یک لحظه او را تا آنجا بلند کرد که کف پای علی علیه السلام به زانوان پیامبرصلی الله وعلیه وآله رسید.

همان طور که علی علیه السلام را بر سر دست نگه داشته بود در بدیع‌ترین شکل اعلام جانشینی خود را به انجام رساند. سؤالی کوتاه و جمله‌ای پر از معنی!! پرسید: گفتید که چه کسی بر شما اولی به نفس است؟ مردم فوراً پاسخ دادند: خدا و رسولش. فرمود:

أَلَا فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ،
اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ».

آگاه باشید، که هر کس من صاحب اختیار و اولی به نفس او بوده‌ام این علی صاحب اختیار و اولی به نفس اوست. خدایا دوست بدار هر کس علی را دوست بدارد، و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد، و یاری کن هر کس علی را یاری کند، و خوار کن هر کس علی را خوار کند.

حضرت با پایان این سخن علی‌علیه‌السلام را از فراز دست بر منبر فرود آورد؛ و با ظرافتی لایق شأن نبوت نگذاشت در خطابه‌اش وقفه ایجاد شود و سخنان خود را ادامه داد و به تبیین ابعاد «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...» پرداخت.^۴

^۴ بحار الانوار؛ ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۲۷ ص ۲۰۹. عوالم العلوم؛ ج ۱۵/۳ ص ۹۷، ۴۴، ۳۰۱، ۳۰۲.



پس از سخنرانی دو خیمه بیعت بر پا شد که
 ۱۲۰۰۰۰ نفر در خیمه اول با پیامبر ﷺ و در
 خیمه دوم با امیرالمؤمنین بیعت میکردند.

تصویر پنجم

بیعت مردان و زنان در غدیر

توقف سه روزه در غدیر برای بیعت ۱۲۰۰۰۰ نفر بود، که باید یکی یکی شرکت می‌کردند. به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله کنار منبر زیر درختان دو خیمه جداگانه در مقابل یکدیگر برپا شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در یک خیمه و امیرالمؤمنین علیه السلام در خیمه دیگر نشستند. آنگاه حاضرین در صفی مرتب، گروه گروه وارد دو خیمه می‌شدند. ابتدا وارد خیمه پیامبر صلی الله علیه و آله شده به عنوان قبول و اقرار به آنچه در خطابه غدیر درباره ولایت و امامت بیان فرمود، با آن حضرت دست بیعت می‌دادند. سپس به خیمه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رفتند و به عنوان تسلیم و اطاعت در برابر مقام ولایت او سه کار انجام می‌دادند: بیعت می‌کردند، و «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» می‌گفتند، و به آن حضرت این مقام با عظمت را تبریک می‌گفتند.

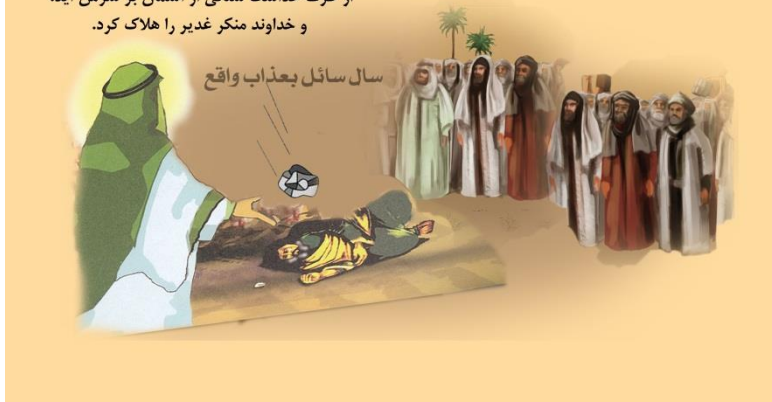
فرصت مناسبی را هم برای بانوان تعیین کردند که آنان نیز در خیمه بیعت حضور یافتند. برای این کار دستور دادند تشت بزرگی از آب آوردند و پرده‌ای در وسط آن از یک سو تا سوی دیگر زند به طوری که آن را به دو قسمت تقسیم می‌کرد و آن سوی پرده از این سو دیده نمی‌شد. آنگاه امیرالمؤمنین علیه السلام در یک سوی پرده می‌نشست و دست

مبارک را داخل آب می‌گذاشت. زنان نیز در سوی دیگر پرده با قرار دادن دست خود در آب بیعت می‌کردند و همزمان «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» می‌گفتند و به حضرتش تبریک و تهنیت می‌گفتند.

بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، ام هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فاطمه دختر حمزه و اسماء بنت عمیس از بانوانی بودند که در این بیعت حاضر شدند. پیامبر صلی الله و علیه وآله دستور بیعت را درباره همسران خود مؤکد داشتند به خصوص آنکه همه همسران حضرت - از جمله عایشه و حفصه - در این سفر حضور داشتند.^۵

۱. بحار الانوار: ج ۶ ص ۵۳ ج ۲۱ ص ۳۸۷، ۳۸۸، ج ۲۸ ص ۹۰، ۹۵، ۹۸، ج ۲۹ ص ۳۵ - ۳۷، ج ۳۰ ص ۳۱۵، ج ۳۳ ص ۱۶۳، ج ۳۶ ص ۱۲۶، ۱۶۹، ۲۴۸، ج ۳۷ ص ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۹۴، ۳۱۱. عوالم العلوم: ج ۱۵/۳ ص ۴۲، ۶۰، ۶۵، ۹۷، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۷۷، ۳۰۹. الیقین: ص ۲۸۵. التحصین: ص ۵۲۷. کتاب سلیم: ج ۱۴. تفسیر القمی: ص ۳۶۴.

یکی از منافقین به عنوان اعتراض گفت: اگر غدیر
از طرف خداست سنگی از آسمان بر سر من آید،
و خداوند منکر غدیر را هلاک کرد.



تصویر ششم

سنگ آسمانی بر دشمن غدیر

در پایان روز سوم که مراسم غدیر رو به اتمام بود، حارث فهری نزد پیامبر صلی الله و علیه و آله آمد و گفت: «وقتی قرار شد تو رسول الله باشی و علی جانشین بعد از تو باشد و فاطمه دخترت سیده زنان عالم و حسن و حسین سید جوانان اهل بهشت باشند، پس برای سایر قریش چیزی باقی نگذاشته‌ای؟! پیامبر صلی الله و علیه و آله فرمود: من این مقامات را تعیین نکرده‌ام بلکه خداوند معین فرموده است.

حارث گفت: اکنون که پسر عمویت را منصوب نمودی، آیا واقعاً همه این‌ها از طرف خدا بود؟ پیامبر صلی الله و علیه و آله فرمود: از طرف خدا به من وحی می‌شود و جبرئیل سفیر و واسطه الهی است و من به مردم خبر می‌دهم، و جز آنچه خدا دستور دهد چیزی را اعلام نمی‌کنم.

حارث سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا، اگر محمد در آنچه می‌گویم صادق و راستگوست سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذابی بر ما نازل کن.»

معجزه عظیم پیش چشمان مردم به وقوع پیوست. خاطره‌ای که از اصحاب فیل در ذهن‌ها مانده بود، اینک با تمام شدن سخن حارث و فاصله گرفتن او از مجلس پیامبر صلی الله علیه وآله تکرار شد.

دو عذاب الهی با هم بر حارث نازل شد در حالی که پیامبر صلی الله علیه وآله و اصحابش از فاصله‌ای او را می‌دیدند. خداوند پرنده‌ای از آسمان فرستاد که در منقار او ریگی به اندازه عدس بود و آن را بر سر حارث رها کرد. سنگریزه از سر او وارد شد و طول قامت او را در نوردید و او را نقش زمین ساخت، در حالی که پاهایش را بر زمین می‌کوبید. در همین حال ابر سیاهی ظاهر شد و رعد و برقی زد و صاعقه‌ای پدید آورد که بر بدن حارث خورد و او را سوزانید.

در آن لحظات جبرئیل نازل شد و سند قرآنی این معجزه غدیر را با آیات ۱ تا ۳ سوره معارج آورد: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ، مِنَ اللَّهِ ذِي الْمِعَارِجِ»: «درخواست کرد درخواست کننده‌ای عذاب واقع را که کافران قدرت دفع آن را ندارند، و این از طرف خداوند بود».^۶

^۶ ۱. بحار الانوار: ج ۸ ص ۸۰ ح ۱۰، ج ۱۵ ص ۶ ح ۶، ج ۳۵ ص ۳۲۰ - ۳۲۳ ح ۲۲، ج ۳۷ ص ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۶، ج ۴۲ ص ۴۰ - ۴۲ ح ۱۴، ج ۹۴ ص ۱۳ ح ۲۲. تفسیر القمی: ص ۶۹۵ الفضائل (شادان): ص ۸۴. تفسیر فرات: ص ۱۹۰، ۵۰۵ ح ۶۶۳. مناقب ابن شهر آشوب: ص ۳ ح ۴۰. اربعین منتجب الدین: ص ۸۳. العمدة (ابن بطریق): ص ۱۰۱. الاقبال: ص ۴۵۳ - ۴۵۹. حلیة الابراز: ج ۲ ص ۱۲۵. مدینة المعارج: ج ۲ ص ۲۶۷ - ۲۷۶. عوالم العلوم: ج ۱۵/۳ ص ۵۶ ح ۲۲، ص ۶۸ ح ۴۵، ص ۱۳۰ ح ۱۸۵، ص ۳۰۶. تفسیر الثعالبی: ج ۳ ص ۲۳۹. تفسیر القرطبی: ج ۸ ص ۳۱۵، ۳۱۶، ج ۱۰ ص ۲۲۵. زاد المسیر (ابن جوزی): ج ۴ ص ۱۰. الکافی: ج ۱ ص ۴۲۲ ح ۴۷، ج ۸ (الروضه) ص ۵۷ ح ۱۸.